

سرشناسه : ریگی ، عبدالرحمن

هنوان : در آغوش اسلام

پدید آوران : عبدالرحمن ریگی

شهر نشر : تربت جام

ناشر : آوای اسلام

تاریخ نشر : ۱۳۸۸

برساخت : ۸۶ ص .

موضوع : ۱. تازه کیشان مسلمان

رنه بندی : د / ۲۹۷/۴۷۹/۹۶۵

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۵-۳۶۹

شناسنامه کتاب

نام کتاب : در آغوش اسلام

گردآورنده : عبدالرحمن ریگی

ناشر : آوای اسلام

تیراژ : ۳۰۰۰

قطع : رقعی

چاپ : دقت

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۸

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۵-۳۶۹

قیمت : ۹۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ و مخصوص ناشر است

مرکز پخش : تربت جام - انتشارات آوای اسلام تلفن : ۰۹۱۵۵۱۸۸۳۴۲

در آغوش اسلام

گردآوری و ترجمه:

عبدالرحمن ریگی

مقدمه مترجم:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ... وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۱

«بیگمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه خدا اسلام (خالصانه تسلیم فرمان الله شدن) است ... و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود.»

سعادت هدف مطلوب و نیاز مبرم و غایت نهایی انسان است. تمام انسانهایی که بر روی زمین زندگی می‌کنند به دنبال سعادت هستند و خواستار آنند که رنج و غم و غصه و ناراحتی و ناآرامی و بدبختی را از خود دور سازند و به شادی و آرامش و امید و در یک کلمه به خوشبختی و سعادت دست یابند. همه

^۱. آل عمران/ آیات ۱۹ و ۸۵

نویسندگان، متفکران و فلاسفه و اطبا به جستجوی اسبابی بوده‌اند که بوسیله آنها همای سعادت را شکار نمایند؛ اما پس از تلاشهای فراوان و به کار گرفتن اسباب و وسایل مختلف و متعدد آنچه حاصل‌شان شده بوم شوم ناکامی بوده است، هر چه تیر افکنده‌اند به سنگ اصابت کرده و هر طرح و نقشه‌ای که ریخته‌اند نقش بر آب گردیده است. بسیاری از کسانی هم که خود را افرادی سعادت‌مند تصور می‌کنند، جز سعادت‌ی ناقص یا وهمی بهره دیگری ندارند، مانند کسی که ماده‌ای مخدر مصرف می‌کند و در وهله نخست احساس سرخوشی و خوشحالی می‌کند، اما همین که اثر آن ماده زایل می‌شود، لشکر غم و اندوه بر او حمله‌ور می‌گردد و او را از پا در می‌آورد. و این هیچ علتی ندارد جز اینکه آنان از سرچشمه سعادت غافل‌اند و سعادت را در چیزها و در جاهایی می‌جویند که در آن چیزها و در آن جاها قرار ندارد.

سعادت انسان در ایمان به خدای یگانه و تسلیم و خضوع و انقیاد در برابر او نهفته است. به عبارت دیگر سعادت انسان در دین قرار دارد. بنا به تصریح قرآن^۱ سرشت و فطرتی که خدای واحد بشر را بر آن آفریده دینی است. دین هم از آدم تا

۱. آیه ۳۰ از سوره روم

خاتم دین اسلام است.

در مورد معنای کلمه اسلام گفته‌اند که اسلام عبارت است از: فرمانبرداری، فروتنی، گردن نهادن، تسلیم شدن، اطاعت از امر امرکننده و نهی نهی‌کننده بدون اعتراض، عبادت خالصانه برای او، تأیید کردن و باور داشتن به او؛ بر این اساس «مسلم» (مسلمان) کسی است که اوامر و نواهی خداوند را بدون کمترین اعتراضی گردن می‌نهد و بی‌چون و چرا آنها را می‌پذیرد و در برابرشان تسلیم می‌شود و او را در تمام دستوراتش اطاعت می‌نماید، و این جز بندگی و غلامی معنای دیگری ندارد:

هر که اندر عشق یابد زندگی کفر باشد پیش او جز بندگی



در کوی عشق شوکت شاهی نمی‌خرند

اقرار بندگی کن و اظهار چاکری

آنچه آفریننده انسان، خدای یگانه و بی‌همتا از او می‌خواهد بندگی کردن است و بس. انسان را برای بندگی کردن آفریده‌اند، نه گردنکشی و استکبار و خدایی کردن و بر طبل الوهیت زدن. پیام همه پیامبران نیز برای اقوام و ملل خود خداگرایی و خداپرستی بوده است. در قرآن داریم که خداوند هیچ پیغمبری

را نفرستاده مگر اینکه به او فرمان داده است تا مردم را به سوی

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ

إِلَهٌ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾^۱

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر اینکه به او

وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا

پرستش کنید.»

پیغمبر خدا حضرت نوح علیه السلام می‌گوید:

﴿وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۲

«و به من دستور داده شده است که از زمره مسلمانان باشم.»

و خداوند پیغمبر خود حضرت ابراهیم علیه السلام را اینگونه

توصیف می‌نماید:

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۳

«آنگاه که پروردگارش بدو گفت: (به یگانگی خدا اقرار کن

و) اخلاص داشته باش، گفت: (اقرار کردم و سر بر آستان تو

سایدم و) خالصانه تسلیم پروردگار جهانیان گشتم.»

حضرت یوسف علیه السلام خطاب به پروردگار خود می‌گوید:

^۱ . انبیاء / ۲۵

^۲ . یونس / ۷۲

^۳ . بقره / ۱۳۱

﴿أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي
بِالصَّالِحِينَ﴾^۱

«تو سرپرست من در دنیا و آخرت هستی. مرا مسلمان بمیران
و به صالحان ملحق گردان.»

و حضرت موسی علیه السلام به قومش می گوید:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا
إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ﴾^۲

«موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده اید و اگر
واقعاً مسلمان و اهل تسلیم هستید، بر او توکل کنید.»

و قرآن درباره حضرت عیسی علیه السلام می گوید:

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى
اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۳

«ولی هنگامی که عیسی احساس کفر (و سرکشی و نافرمانی)
کرد، گفت: کیست که یاور من به سوی خدا باشد؟ حواریون
گفتند: ما یاوران (دین) خدائیم (زیرا) به او ایمان آورده ایم و
(تو نیز) گواه باش که ما مسلمان و تسلیم فرمان خدا هستیم.»

۱. یوسف / ۱۰۱

۲. یونس / ۸۴

۳. آل عمران / ۵۲

پس هر پیغمبری قوم خود را به سوی اسلام؛ یعنی اطاعت از الله، عبادت او، توحید او و پرهیز از شرک به او فراخوانده است.

سلسله انبیا با وجود اختلافشان در زمان و مکان و برخی شرائع و اتفاق و اتحادشان در اصل و ریشه _ که همان دعوت به اسلام و عبادت خدای واحد و ترک عبادت ماسوای اوست _ ادامه داشت تا اینکه مشیت الهی بر این قرار گرفت تا پرونده نبوت را مختومه اعلام کند و دفتر نبوت را ببندد و این سلسله را به پایان برساند، و برای این منظور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را از میان عربها برگزید و ایشان را آخرین خشت بنای نبوت قرار داد؛ البته این به معنای منتفی شدن برنامه هدایت الهی نبود، بلکه چون انبیا پیش از رسول الله صلی الله علیه و آله هر یک برای قوم و قبیله و اقلیم به خصوصی مبعوث می شدند و بر همین اساس احکام و شرایع آنها نیز متناسب با شرایط زمانی و مکانی آنها بود، و از آنجا که ادیان پیش از ایشان یعنی مسیحیت و یهودیت به دست افراد جاه طلب و دنیاخواه و منافق و مزور و فاسد هدف تحریف قرار گرفته بود، و افزون بر اینها به سبب اینکه بشریت دوران طفولیت را پشت سر نهاده و وارد مرحله بلوغ دینی و عقلانی شده و صلاحیت و توانایی حمل یک دین کامل را پیدا کرده بود، عوامل مذکور اقتضا نمود

تا لطف فراگیر و کرم بی پایان خدای رحمان حضرت محمد مصطفی ﷺ را به عنوان نبی رحمت برای تمام انسانها ارسال نماید و نعمت اسلام را بوسیله آن حضرت ﷺ به پایه تکمیل برساند:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱

«امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم»

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

«ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم‌دهنده (کافران به شقاوت سرمدی) باشی، و لیکن اکثر مردم (از این معنی) بی‌خبرند (و) همگانی بودن نبوت تو را باور نمی‌دارند.»

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳

«(ای پیغمبر!) ما تو را جز بعنوان رحمت جهانیان نفرستاده‌ایم.»

۱. مائده / ۳

۲. سبأ / ۲۸

۳. انبیاء / ۱۰۷

کامل و جامع و فراگیر بودن اسلام محمدی و فرا زمانی و فرا مکانی بودن آن، برخلاف اسلام موسوی و اسلام عیسوی، مصون ماندن کتاب آسمانی‌ای که رسول خدا ﷺ آوردند؛ یعنی قرآن از تحریف و دستبرد و جوابگو بودن آن به نیازهای مادی و معنوی و فردی و اجتماعی، و دربرداشتن آن، رهنمودها و آموزه‌ها و دستوراتی برای تمام جوانب و ابعاد زندگی انسان اعم از اعتقادی، عبادی، اخلاقی و تشریعی و غیره و محفوظ بودن سیره و سنت آن حضرت ﷺ، تمام اینها ایجاب می‌کند که جامعه انسانی برای حصول سعادت و فلاح دنیوی و اخروی، به اسلام محمدی تمسک جوید و قرآن را به عنوان قانون و برنامه و رسول خدا ﷺ را به عنوان پیشوا و الگوی خود برگزیند و اتباع و پیروی از اوامر و نواهی ایشان را سرلوحه حیات قرار دهد.

رسول الله ﷺ پس از آنکه رسالت خود را ابلاغ نمود و مسئولیت خویش را به انجام رساند از این دنیا رفت؛ اما بخت و اقبالش نخفت و بلکه رو به فزونی و تزايد نهاد:

مصطفی را وعده کرد الطاف حق

گر پیری تو، نمیرد این سبق

رونقت را روز روز افزون کنم
 نام تو بر زر و بر نقره کنم
 من مناره پر کنم آفاق را
 کور گردانم دو چشم عاق را
 آنچنان کرد و از آن افزون که گفت
 او بخفت و بخت و اقبالش نخفت^۱

هنوز چند صباحی از رحلت آخرین پیامبر خدا ﷺ نگذشته بود که وعده الهی در گرویدن گروههای انسانی به اسلام^۲ تحقق یافت؛ تمدنها بازسازی شدند و فرهنگها در تابش اسلام بازنگری گردیدند.

در روزگار امروز نیز گرچه ماده‌گرایی چیره گشته؛ اما باز هم بخت و اقبال پیامبر خاتم ﷺ رو به افزونی است. اگر در گذشته شکوه سیاسی مسلمانان شاید دلیلی بر توفیقات اسلام تلقی می‌شد، امروز قطعاً جاذبه‌های معنوی اسلام است که دلها را به خود جذب می‌کند و نگاهها را به سوی خویش خیره می‌گرداند.

^۱. مثنوی

^۲. «یدخلون فی دین الله افواجا»

کتابی که در دست دارید داستان کسانی است که در روزگار ما شیفته محاسن اسلام شده‌اند. مطالعه در احوال تازه گرویدگان علاوه بر تجربه‌های زیبایی که فرارویمان می‌نهد، شاید جلوه‌هایی بدیعی از این آیین آسمانی در منظرمان بیاراید و با جاذبه‌های نویی از اسلام مواجه‌مان سازد.

بایسته گفتن است که کتاب پیش‌رو در اصل برگردان کتابی است با همین نام که آن را جناب محمد عثمان قاسمی گردآوری نموده است. بنده ضمن ترجمه آن، مطالب دیگری نیز به آن افزودم تا فایده‌مندی آن بیشتر گردد. امیدوارم مطالعه آن موجب شود تا اعتقاد و باورخواننده مسلمان به دین اسلام بیشتر از پیش گشته و این باور را در گفتار و کردار به نمایش بگذارد، تا هم سعادت و رستگاری خود را در دنیا و آخرت رقم بزنند و هم وسیله‌ای گردد برای قرار گرفتن دیگران در آغوش اسلام. سپاس خدای را در آغاز و در پایان.